

Explanation of education methods based on the principle of continuity Emphasizing the teachings of the Qur'an and Hadith

Safar Nasirian ^{1*} , and Yasin Kamali Vahdat ² 

1. Corresponding author, Islamic Studies Department, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: s.nasirian488@cfu.ac.ir
2. Lecturer and Researcher in the Islamic Studies Department, Imam Hussein (AS) Guards Officer Training and Training University, Tehran, Iran. E-mail: kamalivahdat@yahoo.com

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received: 2023/05/04
Reviewed: 2023/10/01
Accepted: 2023/11/11
Published Online:
2025/04/21
Pages: 101-117

Keywords:

Quran
Hadith
Education
Principle
method
continuity

Background and Objectives: The principle of continuity is one of the most important educational principles emphasized in religious sources, including the Quran and Hadith. Educational methods based on continuity are also discussed in the Quran and Hadith, enabling educators and learners to implement this principle in the educational process. Accordingly, the present study aims to explain educational methods based on continuity with emphasis on the teachings of the Quran and Hadith. **Methods:** This research employs a descriptive-analytical method and utilizes a library and documentary research approach. Given the lack of sufficient and independent research on explaining and discovering the relationship between the educational principle of continuity and its methods - particularly from a religious perspective - this study seeks to elucidate educational methods based on continuity with emphasis on the teachings of the Quran and Hadith. **Findings:** Based on the conducted investigation, the research findings are categorized into seven categories: effort and endeavor, patience and tolerance, discipline and order, practice and repetition, reminder and recollection, care and protection, and supervision and evaluation. These categories, which are documented with evidence from the Holy Quran and the narrations of the Infallible Imams (AS), function complementarily and in interaction with each other. **Conclusion:** For the realization of effective religious education, the simultaneous application of these methods across all dimensions of the learner's existence is essential. Additionally, organizing training courses to familiarize educators and learners with these methods and creating suitable executive platforms are among the practical strategies for implementing the findings of this research.

Cite this Article: Nasirian, S., & Kamali Vahdat, Y. (2025). Explanation of education methods based on the principle of continuity Emphasizing the teachings of the Qur'an and Hadith. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 11(19), 101 -117. <https://doi.org/10.48310/itt.2025.4488>



© the authors

Publisher: Farhangian University



تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر اصل تداوم با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث

صفر نصیریان^{۱*}، و یاسین کمالی وحدت^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹، تهران، ایران. رایانامه:

s.nasirian488@cfu.ac.ir

۲. مدرس و پژوهشگر گروه معارف اسلامی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ایران. رایانامه:

kamalivahdat@yahoo.com

چکیده

پیشینه و اهداف: اصل تداوم، یکی از اصول مهم تربیت است که در منابع دینی اعم از قرآن و حدیث مورد تأکید قرار گرفته است. روش‌های تربیتی مبتنی بر تداوم نیز از مسائل مورد بحث در قرآن و حدیث است که مربی و متربی با به کارگیری آن‌ها به اصل تداوم در تربیت کمک می‌کنند. **روش‌ها:** براین اساس تبیین مذکور، هدف پژوهش حاضر تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر تداوم با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث است. روش: روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است و شیوه آن کتابخانه‌ای و اسنادی است. باتوجه به این که پژوهش‌های در خور و مستقلى در تبیین و کشف رابطه بین اصل تربیتی تداوم و روش‌های آن، به‌ویژه از منظر دینی، انجام نشده است، پژوهش حاضر بر آن شد تا به تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر تداوم با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث بپردازد. **یافته‌ها:** بنا بر بررسی انجام شده، یافته‌های تحقیق، در هفت مقوله احصا شده است که عبارت‌اند از: تلاش و کوشش، صبر و تحمل، نظم و انضباط، تمرین و تکرار، تذکر و یادآوری، مراقبت و محافظت، و نظارت و ارزیابی. این مقوله‌ها که مستند به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) می‌باشد، به صورت مکمل و در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. **نتیجه‌گیری:** برای تحقق تربیت دینی اثربخش، به کارگیری همزمان این روش‌ها در تمام ابعاد وجودی متربی ضروری است. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنایی مربیان و متربیان با این روش‌ها و ایجاد بسترهای اجرایی مناسب، از جمله راهکارهای عملیاتی کردن یافته‌های این پژوهش می‌باشد.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

شماره صفحات: ۱۱۷-۱۰۱

واژه‌های کلیدی:

قرآن

حدیث

تربیت

اصل

روش

تداوم

استناد به این مقاله: نصیریان، صفر، و کمالی وحدت، یاسین، علی. (۱۴۰۴). تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر اصل تداوم با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۱۱(۱۹)، ۱۰۱-۱۱۷. <https://doi.org/10.48310/itt.2025.4488>



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارهای تربیتی آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی‌تواند در خلأ و بدون ضابطه‌ای مشخص آغاز و پایان پذیرد. امر تربیت که یکی از زمینه‌های مهم در مناسبات انسانی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. نخله‌ها و مکاتب تربیتی هیچ‌گاه خود را فارغ از چارچوب‌ها و اصول نظری (اعم از اصول مبنایی و یا عملی) معرفی نمی‌کنند. حتی مکاتب‌هایی چون رفتارگرایی که بر رفتار تأکید می‌کنند و اهداف کلی و آرمانی را چندان قابل‌مطالعه و تحقیق نمی‌دانند، هرگز ادعایی در شکستن حصر قواعد و اصول کلی حاکم بر رفتار را ندارند (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۵۱).

اصل منشأ انتخاب روش است؛ بنابراین، اصل از دو منظر قابل‌توجه اندیشمندان علوم تربیتی است، از یک سو، اصل دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به بایدهاست و از سوی دیگر، معیاری برای گزینش روش‌های گوناگون به شمار می‌رود (هوشیار، ۱۳۲۷، ص ۱۲-۱۶؛ باقری، ۱۳۸۴، ص ۶۸-۶۹؛ شریعتمداری، ۱۳۶۷، ص ۱۱). براین‌اساس باید از ارتباط تنگاتنگ و بدون فاصله، بین اصل و روش تربیتی سخن گفت و با کشف اصول تربیتی سازنده، روش‌های تربیتی را سامان داد.

باتوجه‌به این که در علوم تربیتی ارتباط بین اصول تربیت و روش‌های آن به‌صورت بیان جزئی تبیین نشده است و این امر در مباحث تربیت اسلامی هم مغفول واقع شده است، نوشتار حاضر برای رفع خلأهای موجود، بر آن است که به تبیین رابطه بین اصل تداوم به‌عنوان یکی از اصول مهم تربیتی و روش‌های متناسب با آن، پردازد. روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و نوع آن کاربردی و شیوه‌اش کتابخانه‌ای و اسنادی است و پژوهشگران در آن با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزاری و الکترونیکی از قبیل کتب و مقالات، در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، قرآنی و روایی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، روش‌های تربیت دینی مترتب بر تداوم را احصاء و تدوین می‌کنند. در این راستا، پژوهش حاضر به سؤال ذیل پاسخ می‌دهد:

- بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، مریبان برای عملیاتی‌کردن اصل تداوم لازم است چه روش‌های تربیتی را به کار ببندند؟

مفاهیم

به‌طور معمول، هر نظام فکری، از جمله نظام تربیت، بر پنج عنصر اساسی مبنای هدف، اصل، روش و مؤلفه‌ها استوار است. (شاتو، ۱۳۶۹، ص ۲۵۸؛ هوشیار، ۱۳۲۷، ص ۴۹). با آن که هر پنج عنصر، از امور انتزاعی به شمار می‌روند، ولی اصل و روش عملیاتی‌تر از عناصر دیگر و به مسائل عینی نزدیک‌ترند.^۱

تربیت: تربیت موضوعی است که اندیشه‌وران درباره شناخت آن اتفاق نظر ندارند و هر یک متناسب با مکتب مدنظر یا تئوری‌های مورد قبول خود آن را تبیین می‌کنند.

بر اساس مکاتبی که رویکرد تجربی دارند، می‌توان تربیت را بازسازی پی‌درپی تجربه به‌منظور افزودن پهنای و ژرفای محتوای اجتماعی آن تعریف کرد. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۲-۳۴)

بر اساس رویکرد دینی نیز، اندیشمندان این حوزه، برای تربیت^۲ تعاریفی را سامان داده‌اند که لب آن عبارت است از: مجموعه فعالیت‌های هدفمند فنی و حرفه‌ای که بر پایه برنامه‌ریزی دقیق و پیوسته مبتنی بر دانش‌اندوزی‌ها، کارورزی‌ها و تجربه‌های کارآمد معلم و مربی، در راستای پرورش هماهنگ استعدادهای متربی در ابعاد فردی، اجتماعی، جسمی،

۱. با آن که مؤلفه‌ها (اعمال)ی تربیتی هم از همین ویژگی برخوردارند ولی به دلیل آن که در حوزه و علوم وسیع‌تری این مؤلفه‌ها اکتشاف می‌شوند، علوم تربیتی به‌طور مستقیم به مؤلفه‌های تربیت نمی‌پردازد؛ چنان که مبانی هم بیشتر در علوم دیگر تعریف و تبیین می‌شوند. بدین ترتیب اصول و روش‌های تربیتی، تعلق بیشتری به علوم تربیتی دارند.

۲. لفظ تربیت در آیات و احادیث کمتر مورد استفاده قرار گرفته و در این مورد بیشتر واژه تزکیه و تأدیب به کار گرفته شده اما هر دو در لغت به معنای پرورش و نمودادن است (امینی، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

عاطفی، اخلاقی و ... به مقصود نیل به قرب الهی صورت می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۴؛ امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۲؛ رهنمایی، ۱۳۸۷، ص ۳۷-۳۸؛ همت بناری، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

روش: روش در اصطلاح علوم تربیتی به مجموعه اموری اطلاق می‌شود که انسان برای رسیدن به هدف و انجام کار موردنظر، به صورت قاعده‌مند و بسامان پی می‌نهد. روش، مفهومی راهبردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی پیمودن آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌های موردنظر معلوم می‌دارد. (رفیعی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۷).

روش در تربیت اسلامی به‌رغم تفاوت در مصادیق با روش در علوم تربیتی ماهیتاً یکی است. براین اساس، در علوم تربیتی بر روش‌هایی مثل تشویق، انضباط، نظارت، احترام، استقلال، مشارکت، اعتماد، توجه، گوش‌دادن تأکید شده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲-۱۲۷) و در تربیت اسلامی روش‌هایی نظیر محبت، احترام، موعظه و نصیحت، اعتدال، امر به معروف و نهی از منکر، تغافل، مدارا، آراستن ظاهر و کلام، تلقین به نفس، تحمیل به نفس، اعطای بینش، دعوت به ایمان، فریضه‌سازی، محاسبه نفس، زمینه‌سازی، تغییر موقعیت، اسوه‌سازی، مواجهه با نتایج اعمال، تحریک ایمان، ابتلا، آراستن ظاهر، تزیین کلام، مبالغه در عفو، توبه، تبشیر، مبالغه در پاداش، تکلیف به قدر وسع، انذار، مجازات به قدر خطا، ابراز توانایی، تغافل، تزکیه، تعلیم حکمت، موعظه حسنه، یادآوری نعمت‌ها، عبرت‌آموزی، ابتلا و امتحان، مراقبه و محاسبه، و تشویق و تنبیه، از روش‌های دیگر تربیتی است که توسط برخی از پژوهشگران احصا شده است (دلشاد، ۱۳۷۹، ص ۷۰-۱۲۰؛ ناصری و محمد جعفری، ۱۳۹۹، صص ۴۸-۵۷؛ کربلایی پازوکی، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۳۹).

اصل: در زبان فارسی اصل هر چیز، آن است که آن چیز بدان متکی است؛ چنانچه پدر و مادر اصل فرزند هستند (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۲۳۸۸) و در معانی ریشه، بیخ، تبار و نژاد کاربرد دارد (معین، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴) و به معنای قانون و قاعده راهنما برای رفتار نیز آمده است (عمید، ۱۳۶۶، ص ۵۸). در زبان عربی، اصل چیزی است که اشیای دیگر بر آن بنا شود و به معنای پایه و قاعده به کاررفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۹). در زبان انگلیسی اصل به معنای اساس، مبنا، مبدأ، قاعده و قانون (علمی) آمده است (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶۵).

اصول در اصطلاح به مجموعه ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای زندگی فردی و جمعی از جنبه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، تربیتی و حقوقی و... تفسیر می‌شود (رهنمایی، ۱۳۸۷، ص ۶۵). بدین ترتیب، اصول، به قواعد نسبتاً کلی اطلاق می‌شود که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و اندیشمندان تعلیم و تربیت است (شریعت‌مداری، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

اصول، در اصطلاح، بنیادها و مبانی عمل و رفتار هستند که در داخل همان علم به اثبات می‌رسند. مثل اصول تربیتی که در علوم تربیتی به اثبات می‌رسد. در مقابل، اصول موضوعه، بنیادهای هستند که در علوم دیگر به اثبات می‌رسند؛ مانند اصل تربیت‌پذیر بودن انسان که یکی از اصول موضوعه آموزش و پرورش است. این اصل در فلسفه و انسان‌شناسی و امثال آن اثبات می‌گردد (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴-۱۱۳).

از نگاه اندیشمندان علوم تربیتی، اصول تربیتی همچون رغبت، انضباط، اقتدار، تداوم، تفکر، آزادی و کنترل اجتماعی موردتوجه واقع شده است. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۶-۹۲) در تربیت اسلامی نیز، پژوهشگران اصولی همچون نیت الهی،

تکریم انسان، تغییر ظاهر، تحوّل باطن، اصلاح شرایط، توجه به مناسبات اجتماعی^۱ تسهیل، تدریج^۲، تداوم، تعقل، تفکر، تدبیر، مسئولیت، آراستگی، فضل، عدل، عزّت، اعتدال، تمکّن و زهد را بر مبنای قرآن و حدیث پیشنهاد داده‌اند (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۱؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۱۶۵؛ ناصری و محمد جعفری، ۱۳۹۹، صص ۴۸-۵۷؛ مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۵۵-۶۴).

تداوم: جان دیویی، اصل تداوم را به معنای ادامه و استمرار تجارب در زندگی بشر می‌داند و معتقد است که هر تجربه به گذشته و آینده پیوسته است؛ بنابراین، هر تجربه‌ای تحت تأثیر تجارب گذشته خود قرار گرفته و از طرق دیگر در تجربیات آینده تأثیر می‌گذارد. براین اساس، تداوم به این معناست که باید نظم و توالی قابل تشخیص در تجربه وجود داشته باشد و این که تجربه باید به تجارب دیگری بینجامد که هم عمیق‌تر و هم وسیع‌تر باشند (کانل، ۱۳۶۸، ص ۱۷۷). بدین ترتیب، هر تجربه‌ای به تجربه‌های دیگر پیوسته است و در تجربه‌های پس از خود زنده می‌ماند؛ چنان که تجربه پیشین خود عامل محرک به سمت تجربه‌های جدید و نو است و از این نظر اهمیت مضاعف‌تری دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

آیات و روایات نیز، به اهمیت اصل تداوم در تحقق اهداف تربیتی تأکید دارند. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (نساء، ۱۳۶)؛ ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان بیاورید (برایمان خود استدامت داشته باشید). باتوجه به دو صیغه مختلف از باب «ایمان» که اولی از وقوع ایمان در گذشته حاکی است و دومی امر به استدامت آن دارد، معلوم می‌شود که تداوم از ارزش‌های اساسی در تحقق امور تربیتی است. دقیقاً به همین منظور، خداوند می‌فرماید: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد، ۶)؛ ما را به راه راست هدایت فرما. در این آیه بعد از بیان حمد الهی و ستایش خداوند، درخواست هدایت مطرح شده است و این به آن معناست که انسان به استدامت در هدایت و نیل به مراتب بالاتری از آن، بعد از نیل به هدایت نخستین نیاز دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۶).

نکته جالب توجه آن که در یکی دیگر از آیات به واژه «تداوم» و لزوم تحقق آن در اعمال تربیتی، به صراحت اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج، ۲۳)؛ همان کسانی که در نمازشان تداوم دارند. این آیه، و آیه قبل، به تداوم نماز و حفظ آن از جهات مختلفی همچون اوقات، آداب و شرایط اشاره دارند. در همین راستا امام باقر (ع) می‌فرماید: «بهترین و محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند عزوجل عملی است که از سوی بنده تداوم یابد هر چند قلیل و اندک باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۲) در این روایت، رابطه بین کم‌بودن عمل که اشاره به تدریجی بودن تربیت دارد و مداومت بر آن که بیان‌گر اصل مکمل آن؛ یعنی تداوم است، به روشنی دیده می‌شود. بیان یک نکته در مقایسه بین اصول تربیتی برخاسته از روان‌شناسی جدید و اصول تربیت دینی حائز اهمیت است و آن این که در روان‌شناسی جدید، اصول مختلف تربیتی من جمله اصل تداوم، رویکرد تجربی دارند و در آن‌ها تجربه ملاک کشف اصل است، ولی این اصول در معارف دینی، به وحی اتکا دارند نه تجربه؛ اگرچه گاهی تجربه نیز بر درستی یک اصل تربیت دینی صحه می‌گذارد. البته، این متفاوت از آن است که بگوییم تجربه عامل کشف این اصول شده است. یکی از تفاوت‌های عمده دو رویکرد فوق، تعیین محور و مبدأ تربیت است. براین اساس، مکتب اسلام، با محوریت دادن

۱. بدین لحاظ، قالب‌های تربیتی در بعد اجتماعی، مانند اتفاق، صداقت، امانت داری، عدالت ورزی، قناعت و ایثار اهمیت پیدا می‌کند. به عنوان مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره، ۳)؛ (متقین) کسانی هستند که به جهان غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می‌دارند و از آن چه روزی شان دادیم اتفاق می‌کنند.

۲. تدریج در تربیت از آن رو حیاتی است که تحوّل اخلاقی، امری دشوار و بس پیچیده است؛ از این رو از دیدگاه امام صادق علیه السلام این امر لازم است به صورت تدریجی انجام شود. حضرت در این باره می‌فرماید: «إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۴)؛ از جا کردن کوه‌ها آسان‌تر از آن است که قلبی را از جای آن (اخلاقی که به آن خو گرفته است) جابه‌جا کنند.

به خدا در رفتارهای تربیتی، تمایزی اساسی با سایر مکاتب پیدا می‌کند. درحالی‌که در مکاتب دیگر، با ارائه تفسیری متفاوت از انسان و جهان، تربیت را بر محورهایی غیر از توجه به خدا، از قبیل پرورش عقل و خرد، نیل به رفاه و آسایش، دستیابی به فضیلت و عطوفت انسانی قرار داده است (مدلین، ۱۳۵۳، ص ۴۵).

در هر صورت، بر اساس هر دو رویکرد، مربی و متربی هر دو بینند که به عنوان مثال، مداومت بر اعمال تربیتی و استمرار آن‌ها، رمزی برای نیل به موفقیت‌های بالاتر است، به طوری که اگر مداومت نبود، رسیدن به موفقیت‌های بالاتر هم میسر نمی‌گشت.

به همین سان فرقی ندارد هم در تربیت مبتنی بر روان‌شناسی جدید و هم در تربیت اسلامی، می‌توان از ره‌آورد‌های مشترکی در حوزه روش‌های تربیتی سخن گفت که بر اصل تداوم تکیه دارند؛ مثل موعظه و پند؛ از حیث تجربی، پندگیری از تجارب گذشته از منظر شخصی و اجتماعی حائز اهمیت است و از منظر وحیانی نیز روش تربیتی موعظه، و پندگیری جایگاه بسیار والایی دارد و آیات قرآن و روایات، به کرات به این مسئله توصیه کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

- کتاب دلشاد تهرانی، مصطفی، مکتب مهر (اصول تربیت در نهج‌البلاغه). تهران، دریا، ۱۳۸۸: نویسنده در این کتاب، مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول برای تربیت درست از دیدگاه امام علی (ع) مورد توجه قرار داده است.
- کتاب دلشاد تهرانی، مصطفی، مشرب مهر (روش‌های تربیت در نهج‌البلاغه)، تهران، دریا، ۱۳۷۹: در این کتاب نویسنده مجموعه‌ای از روش‌های تربیتی از دیدگاه نهج‌البلاغه را احصا کرده است.
- مقاله زهرا ناصری، رسول محمد جعفری، «اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در آیات و روایات باتکیه بر تفسیر نمونه»، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۸-۵۷: در این پژوهش، در مجموع ۱۴ اصل و ۳۳ روش به عنوان اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از تفسیر نمونه استخراج شده است.
- مقاله کربلایی پازوکی، علی، «روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملامحسن فیض کاشانی»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۷: در این مقاله، با توجه به آثار ملامحسن فیض کاشانی در زمینه اخلاق، روش‌های تربیت اجتماعی احصا شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع روش‌های کیفی و داده‌بنیاد است به این ترتیب که ابتدا ادبیات بحث، مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس با مراجعه به منابع قرآنی و روایی، روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل تداوم به عنوان هسته مرکزی پژوهش تدوین شده است. اشباع نظری، کفایت مفاهیم به کار رفته را نشان می‌دهد و کشف و بازرسی، اعتبار تحقیق را به عهده دارد. مفاهیم، به روش آزاد کدگذاری شده است. یافته‌های تحقیق در هر یک از دو بخش یادشده، ابتدا به صورت اجمالی در قالب جداول ارائه شده و آن گاه محتوای آنها در متن تحقیق، به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار رفته و مقوله‌های بحث احصا شده است. در راستای این پژوهش، محققان با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزاری و الکترونیکی، مانند کتب و مقالات، در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی و دینی به تبیین یافته‌های مدنظر پرداخته‌اند.

یافته‌ها

طبق بررسی انجام شده، روش‌های تربیت دینی مبتنی بر تداوم، در سه‌شاخه مشترک مربی و مترب، خاص مربی و خاص متربی می‌گنجد؛ اگرچه هر یک از این روش‌ها به‌نوعی نقش مکمل برای همدیگر بازی می‌کنند.

ردیف	مستندات قرآنی و روایی	روش تربیتی
۱	أَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم، ۳۹) إِيَّاكَ... الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	تلاش و کوشش
۲	إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ... تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر، ۳-۲) لَا يَعْذَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳)	صبر و تحمل
۳	وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (رعد، ۸) إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نساء، ۱۰۳)	نظم و انضباط
۴	ضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْفَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْفِعَهُ (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	تمرین و تکرار
۵	إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْتِكَانِهَا (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	
۶	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أُصِيلًا (احزاب، ۴۱-۴۲) إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۹۴-۹۵)	
۷	وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات، ۵۵) فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه، ۴۴)	تذکر و یادآوری
۸	أَتَيْتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا (آل عمران، ۳۷) الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (معارج، ۳۴) الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معارج، ۲۳)	مراقبت و محافظت
۹	وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لَتُصْنَعُ عَلَيَّ عَيْنِي (طه، ۳۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَسُوا اللَّهَ فَأَنفُسَهُمْ أَنفُسَهُمْ (حشر، ۱۹) حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۱۳)	نظارت و ارزیابی

روش‌های تربیتی مبتنی بر اصل تداوم

تلاش و کوشش

بر اساس یافته‌های جدید زیست‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و پیشوایان مکتب عمل و تجربه انسان ذاتاً موجودی است فعال که در جریان امور دخالت می‌کند تا دوام عمل خویش را تضمین نماید (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳). از نظر تربیت اسلامی نیز، انسان مرهون میزان تلاش و کوششی است که به کار می‌گیرد؛ آنچه در تربیت دینی اهمیت دارد میزان سعی و کوششی است که فرد در حیطه قدرت خود برای رسیدن به هدف انجام می‌دهد. همچنین تربیت دینی افراد باتوجه به شرایط و امکاناتی که شخص در اختیار دارد، طرح‌ریزی می‌شود (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۶۲-۶۳).

براین اساس، مربی و متربی برای نیل به مقصود، لازم است به‌مثل سایر امور خود، امور تربیتی را نیز با جدیت و تلاش پیگیری کنند، نه آن که در پاره‌ای از زمان به آن اهتمام و در پاره‌ای دیگر، رها کنند. در این راستا، آن دو باید بدانند وقتی در عرصه تعلیم و تربیت قدم می‌گذارند، بایستی این باور را در اعماق وجودشان بارور کنند که تلاش و اهتمام از شروط اساسی موفقیت در هر کاری است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «أَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/ ۳۹).

معنای آیه آن است که هیچ‌چیزی عائد انسان نمی‌شود، مگر آن که انسان در مورد آن تلاش و کوششی کرده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۴۶). البته، باتوجه به این که «سعی» به معنای عمل نسبتاً سریع است، (راغب، ۱۴۰۴، ص ۲۲۳) از نظر آیه، تنها تلاش بدون معطلی و پیوسته است که ثمربخش است و چه‌بسا کاری به دلیل کندی و معطلی در انجامش، زمان انجام آن سپری گردد، یا با سایر امور تزاخم پیدا کند که در این صورت، متربی ناگزیر است آن کار را بدون نتیجه رها کند و یا به دلیل مقدمه بودن کار اول برای کار دوم، هر دو کار بی‌ثمر گردد. بنا بر تمام این فرض‌ها

رشته مداومت کارهای متربی از همدیگر قطع می‌شود. حتی گاهی به کارهای دیگر انسان نیز که این کار مقدمه انجام آن‌ها بوده آسیب می‌زند.

حضرت علی (ع) نیز، به مفهوم مخالف آیه مورد بحث، به این نحو اشاره می‌فرماید: «إِيَّاكَ... الْوَهْنُ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۳۱)؛ بپرهیز... از سستی نمودن در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن شده است.

بر اساس این سخن، تنبلی برخلاف تلاش که یکی از علل مهم تداوم در اعمال تربیتی است، موجب قطع رشته مداومت اعمال است. بدین ترتیب، مربی و متربی باید بدانند که صرفاً هدف‌گذاری برای امور تربیتی، برای تحقق عینی تربیت کفایت نمی‌کند؛ بنابراین، مربی و متربی هر دو باید از ابتدا عزم جدی برای تداوم تلاش در مسیر تربیتی داشته باشند. البته تلاش باید سمت‌وسوی درستی داشته باشد و مطمئناً تلاش یک‌شبه نمی‌تواند ثمربخش باشد؛ بنابراین، در امر تربیت به‌مثل هر امر دیگری، ابتدا باید از اهداف کوچک‌تر شروع کرد و به تدریج به سمت مراحل بالاتر با نتایج مطلوب‌تر حرکت کرد.

بدین ترتیب، متربی نباید به‌مثل دانش‌آموزی باشد که با تسویف^۱ و تلاش نصفه و نیمه، آن هم در شب آزمون، در کارنامه تحصیلی او نمرات ضعیفی ثبت می‌شود که این نمایان گر آن است وی تلاش و مداومت کافی و پیوسته‌ای برای کسب موفقیت در درس‌هایش انجام نداده است.

در این راستا، یک مربی موفق کسی است که متربی را از ذهن‌گرایی صرف و توجه افراطی به آرمان‌ها، به سمت تلاش و کوشش مصروف سازد. در این صورت، متربی با اعتماد به مربی، شب و روز زحمت می‌کشد تا در امر تربیت گام‌های بلندتری بردارد؛ بنابراین، برای تحقق یک تربیت جامع و صحیح، باید روش‌های تربیتی موجود، در تمام ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان، از جمله گرایش‌ها و رفتارهای او به کار گرفته شود تا در سایه تلاش و کوشش، متربی به رشد یا اصلاح رفتارش بپردازد.

صبر و تحمل

مفهوم صبر به‌خودی‌خود مستلزم تداوم است؛ زیرا در صبر سپری‌شدن زمان وجود دارد و انسان صبور پیوسته نسبت به انجام عملی و یا ترک عملی مقاومت می‌ورزد. صبر به‌عنوان یک روش تربیتی آن قدر ارزشمند و تأثیرگذار است که در قرآن در موارد مختلفی بر آن تأکید شده است. در یکی از آیات، این روش تربیتی از محوری‌ترین روش‌های تربیتی که موجب دورشدن انسان از خسران و زیان و رسیدن به سعادت است، توافی به صبر دانسته شده است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۲-۳)؛ همانا انسان‌ها (پیوسته) در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند و همدیگر را به حق و به صبر سفارش کنند.

در آیه فوق، پیوستگی صبر با پیوستگی خسران متقابل فرض شده‌اند. به‌طوری‌که صبر پیوسته مانع خسران پیوسته می‌گردد؛ زیرا عمر انسان به تکه یخی می‌ماند که همواره در حال آب‌شدن است؛ بنابراین، مربی و متربی سعادت‌مند کسی است که از این عمر به نحو احسن استفاده کرده و آن را بی‌خود تضییع ننماید. بدین ترتیب، صبر و توافی به صبر باید سرلوحه امور تربیتی باشد.

بر اساس این آیه، بدون آن حتی با وجود عناصری مثل ایمان و عمل صالح، تحقق سعادت انسان به طور کامل میسر نخواهد بود. نکته قابل‌توجه در این سوره پیوند بین آیه اول با آیات مورد بحث است. آیه اول قسم به زمان می‌خورد و آیات بعدی از خسران انسان و راه‌های نجات آن سخن می‌گویند.

در معارف روایی نیز، این واژه با واژه بیانگر گذر زمان، همنشین شده است؛ چنان که حضرت علی (ع) ضمن بیان این که صبر مستلزم سپری‌شدن زمان است، آن را یکی از رموز مهم برای رسیدن به موفقیت برشمرده و می‌فرماید: «لَا يَعْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۱۵۳)؛ انسان صبور همواره پیروز است؛ هرچند به‌خاطر آن (صبر) زمان طولانی سپری شود؛ چنان که حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «در صبر پیروزی است» (تمیمی

۱. تسویف به معنای امروز و فردا کردن در کارها است.

آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۷۷).

بر اساس این روایت، همراهی صبر با کارهای انسان، در جهت تداوم بخشیدن به آن‌ها و به منظور رساندن آن‌ها به غایت و کمال مطلوب ضروری است.

در روایت دیگری تأکید بر روش تربیتی صبر برای تحقق تداوم به صورت روشن تری آمده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان صبور و باحوصله باشید.» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۵۱).

بدین ترتیب، بر مربی لازم است زمان بیشتری را برای تحقق فعل تربیتی از سوی مربی و نیل او به اهداف بالاتر در نظر بگیرد و در هر مرحله از تربیت، صبوری و پایداری داشته باشد. در این صورت، او شیرینی این صبر را که موفقیت مربی است خواهد چشید. در غیر این صورت، ممکن است با توجه به این که مسیر تربیت، دشواری‌های زیادی دارد، تحمل او لبریز شود و از ادامه راه مأیوس شود؛ زیرا گاه مربی به دلیل عدم علم، مهارت و تجربه و یا لجبازی‌اش در انجام امور تربیتی، لازم است مربی همراهی بیشتری با وی داشته باشد تا به تدریج امور به سمت اصلاح گراید. در این راستا، گاهی حتی لازم است مربی، به تشویق مربی بپردازد. از این رو، لازم است مربیان، با صبر و حوصله در رسیدگی به تربیت معنوی مربی و حتی بعضی اوقات، حمایت مادی از آنان، اهتمام بیشتری داشته باشند.

همچنین با توجه به این که یکی از شیوه‌های تربیتی الگوپذیری است، به مربیان توصیه می‌شود که در رفتار، اعمال و اخلاق خود دقت بیشتری داشته باشند. چه بسا عدم صبوری استاد در برابر شاگردش، حس اعتمادش به استاد را مخدوش سازد.

نظم و انضباط

مهم‌ترین چیزی که مربی بعد از محبت از مربی خود می‌خواهد، نظم است. وجود نظم باعث می‌شود مربی احساس امنیت کند و با آگاهی به کار خود بپردازد؛ زیرا هیچ موجودی نمی‌تواند در شرایطی آشفته و نابسامان بدون هیچ مقررات و قانونی که رویدادها را قابل پیش‌بینی کند، به زندگی ادامه دهد. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۸ و ۱۱۵) از این رو، نظم و انضباط باعث می‌شود از دیدگاه قرآن، هر چیزی اندازه مشخصی دارد؛ چنان که می‌فرماید: «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد، ۸)؛ و هر چیز نزد او مقدار و حساب معینی دارد.

علاوه بر آن که طبق اطلاق این آیه، نظم در عالم تکوین و تشریع به صورت توأمان ضرورت دارد و از نظر عقل نیز به تناسب نظم در عالم تکوین، نظم در عالم تشریع بایسته و لازم است؛ آیات و روایاتی وجود دارند که به صراحت از نظم در عالم تشریع سخن گفته‌اند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء، ۱۰۳)؛ همانا، نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است. این آیه، از نظم و انضباط در نماز خواندن به عنوان عبادت خداوند سخن می‌گوید و تبعیت از این روش تربیتی را واجب می‌شمارد. البته این آیه به خصوص مورد اختصاص ندارد؛ چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۳۱)؛ هر چیز را در جای آن بدار و هر کاری را به هنگام آن بگذار.

بر اساس این کلام امام علی (ع)، امور تربیتی به هیچ وجه تعطیل بردار نیست، بلکه هر زمانی مناسب کاری است متناسب با آن زمان تا زمان بقیه کارها هم فرارسد؛ چنان که باز می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسْقُطَ فِيهَا عِنْدَ امْتِكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۳۱)؛ بپرهیز از شتابزدگی در کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمال‌گری در کارهایی که وقت انجام دادنشان فرارسیده است و از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن تسويف در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن شده است.

در روایت فوق، تعبیرات حضرت دو به دو لازم و ملزوم هم‌اند؛ یعنی عجله با اهمال و لجاجت با سستی هم‌نشین شده

است و این تلازم حاکی از آن است که عجله در برخی امور باعث می‌شود تا انسان از انجام کارهای اولویت‌دار اهمال کند و لجاجت در برخی کارها باعث می‌شود تا متربی در انجام کارهای مهم سستی نماید و در نتیجه این چهار عامل، بی‌نظمی در روند کارها رخ دهد و برخی کارهای اولویت‌دار به بعد موکول شوند و اثربخشی لازم را نداشته باشند. بدین ترتیب، علت مهم نهمی کردن از موارد اشاره شده در این روایت، بی‌نظمی و در نتیجه آسیب رسیدن به اصل تداوم در امور تربیتی است.

بدین ترتیب، مربیان باتوجه به نقش الگویی که دارند، لازم است از نظم و انضباط بیشتری برخوردار باشند. به‌ویژه این که متربیان (کودکان و نوجوانان) به دلیل غلبه روحیه احساسی‌شان، الگوپذیرتر از سایر اقشار هستند؛ بنابراین، بروز هر گونه بی‌انضباطی از سوی مربی، مساوی با بی‌انضباطی کل دانش‌آموزان و ازهم‌پاشیدن نظم کلاس و تداوم برنامه‌های آموزشی و پرورشی است.

تمرین و تکرار

تمرین و تکرار یکی از روش‌های تربیتی بر اساس آموزه‌های اسلامی است که بر اصل تداوم مترتب می‌شود. از این رو، برخی آیات قرآن بر تکرار عمل نیکو و پیوستگی آن دلالت دارد؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (احزاب، ۴۱-۴۲)؛ ای کسانی که ایمان آوردید، خداوند را بسیار به یادآورید و صبح و شام تسبیح او گوید.

براین اساس علامه طباطبایی معتقد است که اصلاح اخلاق و ملکات نفس در دو جنبه علم و عمل و تحصیل اخلاق نیک و زدودن اخلاق ناپسند، به تکرار رفتارهای نیکو و مناسب برای نفس و استمرار و دوام بخشیدن به آنها حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۴).

با آن که بر اساس معارف اسلامی، معیار اصلی تکلیف شرعی، بلوغ عقلی است، به محض این که مکلف بالغ می‌شود، تکلیف در حق او فعلیت پیدا می‌کند، ولی به دلیل این که انجام صحیح برخی تکالیف مستلزم آشنایی نظری و عملی قبلی مکلف از موارد تکلیف است، تمرین دادن مربی و تکرار کردن متربی، به عنوان روش مهم تربیتی به کمک آن‌ها می‌آید. بدین ترتیب اگر در مواقعی انجام تکلیفی قبل از فرارسیدن زمان آن، مستلزم انجام مقدماتی است که مکلف لازم است انجام دهد، شخص مکلف نباید در انجام آن مقدمات کوتاهی کند. بر همین اساس در فقه، مبحث تمرین در انجام واجبات مورد توجه قرار گرفته است تا کودک قبل از رسیدن به تکلیف صورت صحیح واجبات دینی مثلاً نماز خواندن را یاد گرفته باشد. بر همین اساس، بچه‌ها در سنین پایین‌تر اذکاری را به صورت جدا از نماز یاد می‌گیرند و سپس اداهایی را شروع می‌کنند که با صورت نماز هماهنگی دارد تا این که در نه‌سالگی نماز را به طور کامل یاد می‌گیرند.

براین اساس، تربیت را از دوره کودکی باید آغاز کرد؛ چنان که امام باقر یا امام صادق (ع) ^۱ در روایتی نسبتاً جامع، درباره تعیین تکالیف دینی بر اساس سنین رشد کودک و تمرین هر تکلیف در سن مخصوص آن، مراحل را برای تربیت فرزند در نظر گرفته‌اند. بر اساس این روایت، در سه‌سالگی، کلمه توحید؛ لاله‌الاله و در سن سه سال و هفت ماه و بیست روز محمد رسول‌الله به فرزند آموخته می‌شود. همچنین، در چهارسالگی صلوات بر محمد و در هفت‌سالگی صورت نماز به او آموخته می‌شود. در نه‌سالگی وضو و نماز کامل به او آموخته می‌شود و بر آن دو تا زمانی که کودک وضو و نماز را به نحو درست انجام دهد، تمرین داده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۴-۹۵). ^۲

بر اساس این روایت، تمرین و تکرار در همه ساحت‌های وجودی انسان، از اعتقاد، گرایش و رفتار ساری و جاری است. اعتقاد پایه دین‌داری کودک است از این رو، در سرآغاز راه تربیت کودک قرار دارد. اما باتوجه به این که مباحث اعتقادی نیاز به عقلانیت دارد، مربی می‌تواند با بهره‌گیری از احساسات کودک، این مباحث را با لطافت بیشتری همراه کند. در هر صورت همه این تکرار و تمرین‌ها از نظر استقامت و تأکید بر صبوری کودک، فوق‌العاده تأثیرگذار است و در نقطه

۱. تردید از روای است.

۲. إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبِّحْ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .. ثُمَّ يُقَالُ لَهُ فَقُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبِّحْ مَرَّاتٍ

مقابل، غفلت از آن، ممکن است که مشکلاتی را در تربیت به بار بیاورد؛ زیرا هر چند وقت، یک‌دفعه کودک شل می‌شود، باید دوباره یک موج جدید ایجاد کرد و تنوع جدیدی در تمرین ایجاد نمود؛ بنابراین نباید از تکرار و تمرین فرار نموده یا خسته شد؛ زیرا، رمز نفوذ به قوای ناخودآگاه، ملکه نفسانی شدن چیزی و رسیدن به باور قلبی، تمرین، تلقین و تکرار است و از این‌رو، گفته‌اند: *الدرس حرف و التکرار الف*.

تذکر و یادآوری

در این روش تربیتی که بیشتر با یادآوری نعمت‌های خداوند همراه است، انسان با خویشتن خویش روبه‌رو می‌شود و عواطفش برای پیشبرد امور تربیتی به کمک او می‌آید (ناصری و محمد جعفری، ۱۳۹۹، ص ۵۳).

تذکر یعنی یادآوری؛ بنابراین، به‌خودی‌خود در این واژه، استمرار نهفته است. وقتی مرتبی به امور مختلفی مشغول می‌شود، گاه یاد خدا را فراموش می‌کند، در این حال، تذکر باعث استمرار آگاهی انسان نسبت به مسئولیت‌های خود در عرصه تربیت می‌گردد. از این‌رو، قرآن در آیات فراوانی به تذکر و یادآوری و نقش سازنده آن در تربیت اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال، خداوند می‌فرماید: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات، ۵۵)؛ و تذکر و پند ده که مؤمنان را سودمند افتد.

در این آیه باتوجه‌به این که واژه ذکر با صیغه تفعیل بیان شده است که بر مبالغه دلالت دارد (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۵۶)، خداوند متعال پیامبر (ص) را به تذکر و یادآوری مکرر به مؤمنان نسبت به امور تربیتی فرا می‌خواند و آن را دارای منفعت می‌شمارد. مطمئناً این منفعت در افعال تربیتی، من جمله استواری ایمان پدیدار خواهد شد.

تذکر دادن باعث می‌شود که مرتبی از آسیب‌های تربیتی که در اثر غفلت متوجهش می‌شود، مصون بماند. البته، گاهی این تذکر دادن با واکنش منفی برخی مواجه می‌گردد. از این‌رو، در تذکر و پند دادن به‌ویژه برای جوانان و افرادی که زمینه هدایت و تربیت در آن‌ها به دلیل شرایط محیطی و غیره کم‌فروغ است، لازم است این تذکر همراه با انعطاف باشد تا مؤثر واقع شود.

براین‌اساس، نرم‌خویی و برخورد عطف‌آمیز مربی با مرتبی است خود روشی مهم برای برون‌رفت از آسیب‌های تربیتی است. (ساجدی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷) هیچ چیز بسان نرمش و انعطاف‌پذیری، در تربیت آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی مؤثر نیست؛ زیرا بدین وسیله است که عواطف آدمی تلطیف و تعدیل می‌شود (رفیعی محمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۲)؛ بنابراین، مربی خوب با انعطاف‌پذیری زمینه را فراهم می‌کند تا مرتبی با میل و رغبت خودپذیرای تربیت باشد. در غیر این صورت مرتبی از مربی فراری می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). از این‌رو، حضرت موسی و هارون (ع) زمانی که مبعوث شدند تا در جهت امر خطیر هدایت فرعون، به سوی او بروند، خداوند به آن دو فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، ۴۴)؛ پس با او به نرمی سخنی گوید تا شاید پند پذیرد یا بترسد.

بدین ترتیب، انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که تربیت با درنظرگرفتن عوامل مختلفی همچون ظرفیت افراد، شرایط محیط و همچنین مقتضای جامعه صورت پذیرد و استعداد هر یک از مربیان به نحو شایسته‌ای شکوفا شود. دراین‌خصوص، به مربیان توصیه می‌شود باتوجه‌به این که جوانان امروز جنبه عاطفی‌شان بر جنبه عقلانی‌شان غلبه دارد و براین‌اساس معمولاً از تذکر و نصیحت دوری می‌کنند، در تذکر دادنشان، با انعطاف بیشتری و به‌صورت غیرمستقیم صورت پذیرد و از نصیحت بی‌جا و نیز نصیحت در امور کوچک و کم‌اهمیت، به‌شدت بپرهیزند.

مراقبت و محافظت

محافظت بر عمل مراقبت شرایط و ضوابط آن را گوشزد می‌کند این عمل باعث می‌شود تا هوشیاری و توجه به ضوابط ظاهری و باطنی فراهم گردد. (ناصری و محمد جعفری، ۱۳۹۹، ص ۵۰) در این راستا، مربی و مرتبی نقش مکمل را نسبت به همدیگر دارند؛ یعنی هر دو در مراقبت و محافظت بر عمل سهیم هستند؛ اگرچه نقش هر یک متفاوت از آن دیگری است.

نقش مربی در این زمینه به صورت عام، مثل نقش یک باغبان است که پیوسته به باغ خود رسیدگی می‌کند؛ بنابراین، بر مربی نیز لازم است به امور متربی برای رشد و تعالی رسیدگی کند تا آن را به ثمر نهایی برساند؛ از این رو لازم است نسبت به امور متربی مراقبت داشته باشد؛ چنان که خداوند در قرآن در رابطه با این که حضرت مریم (ع) تحت تربیت او قرار دارد، می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران، ۳۷)؛ پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند. تعبیر «أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» در این آیه، به درستی بیانگر آن است که رابطه بین مربی و متربی از نوع القای مطلب و رهاکردن نیست، بلکه مربی خوب بایستی با مراقبت و محافظت به رشد و تعالی متربی کمک کند.

آیاتی از قرآن به مراقبت متربی نسبت به رفتارهای تربیتی به طور خاص اشاره دارند. این آیات به دو بخش تقسیم می‌شوند: در بخشی از آیات، خود ریشه واژه، به مفهوم مراقبت اشاره دارد؛ در بخش دیگری از آیات، ساخت و هیأت واژه دلالت بر مراقبت دارد.

به عنوان مثال، در یکی از آیات نوع اول، خداوند به لزوم مراقبت از نماز به عنوان یک رفتار بنیادین دینی و ایمانی، تأکید کرده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج، ۳۴) نکته جالب توجه آن که در یکی دیگر از آیات نوع اول، همین مراقبت، در قالب واژه دیگری منعکس شده است که ارتباط بین مسئله مراقبت با تداوم را می‌رساند. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج، ۲۳)؛ همان کسانی که در نمازشان تداوم دارند. این آیه، و آیه قبل، به تداوم نماز و حفظ آن از جهات مختلفی همچون اوقات، آداب و شرایط اشاره دارند.

از آیات نوع دوم نیز می‌توان به آیات اول سوره مؤمنون اشاره کرد که در آن به برخی از ویژگی‌های مهم مؤمنان، همچون خشوع در نماز، دوری از کارهای بیهوده، انجام واجبات، حفظ عفت، امانت‌داری و رعایت پیمان و محافظت بر نماز، به صورت فعل مضارع و یا اسم فاعل اشاره شده است. (مؤمنون، ۱-۹). از نظر صرفی، فعل مضارع و اسم فاعل هر دو، بر دوام و استمرار دلالت دارد. همچنین در این آیات، در بیان دو ویژگی از ویژگی‌های مؤمنان، از واژه گان هم معنا با مراقبت نیز استفاده شده است. (مؤمنون، ۵ و ۹)

بدین ترتیب، با بهره‌گیری از رهنمود آیات و روایت، لازم است مراقبت و محافظت در تربیت به منظور تداوم بخشی به بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای متربی، به دو گونه خودمراقبتی و دیگر مراقبتی تقسیم می‌شود. خودمراقبتی متربی باعث می‌شود تا عوامل و نهادهای تربیتی، علاقه بیشتری برای تکامل تربیت متربی و رساندن به هدف متعالی قرب الهی، از خود نشان دهند.

نظارت و ارزیابی

یکی از روش‌های کارآمد در امر تربیت، نظارت بر امور متربی است. نظارت دینی، نظارتی آگاهانه و هوشیارانه است که متربی می‌داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد. چنین نظارتی می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر شخصیت و رفتار وی داشته باشد؛ بنابراین، اصل نظارت‌مداری در تربیت اسلامی به ما می‌گوید: جهان در منظر خداوند تبارک و تعالی است و او بر همه امور آگاه است. (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۶۴).

محاسبه نفس یکی از دستورات دینی ما مسلمانان است که هر کس اعمال و رفتارش را ارزیابی کند؛ زیرا این کار باعث می‌شود آدمی از اعمالش غفلت نکند. این روش تربیتی خود مداومت بر عمل را به وجود می‌آورد (ناصر و محمد جعفری، ۱۳۹۹، ۵۰).

براین اساس، نظارت بر امور متربی از جمله وظایف مربی است. البته لازم است که این نظارت توأم با شرایطی باشد تا به روند تربیت کمک کند، مثلاً، بر اساس برخی آیات، این نظارت باید همراه با دلسوزی شدید باشد. خداوند در ارتباط با نحوه تربیت موسی (ع) می‌فرماید: «وَاللَقِيتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي» (طه، ۳۹).

تعبیر «وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي»، درباره تربیت حضرت موسی (ع) توسط خداوند، حاکی از آن است که اولاً تربیت نوعی ساخته‌شدن است و از این نظر به ساختمانی می‌ماند که نه به صورت دفعتاً، بلکه در اثر کار و تلاش پیوسته تکمیل می‌شود.

گردد و ثانیاً لازم است که تحت نظارت ساخته شود تا کجی و کاستی در آن راه نیابد و به طرز درستی و با رعایت همه ملزومات مهندسی و معماری، مصالح یک ساختمان به همدیگر پیوند بخورند و در غیر این صورت، ساختمانی خواهد بود که هر لحظه امکان تخریب در آن وجود دارد و یا نمایی شکل می‌گیرد که بدقواره و بدمنظر است.

بدین ترتیب، به‌کارگیری دو مفهوم «انبات» و «صنع»، به جای مفهوم «تربیت» در این دو آیه، ضمن این که از نظر ظاهری، به دلیل وجود استعاره، زیبایی خاصی دارند، از نظر معنایی نیز، مفهوم بیشتری را به مخاطبان منتقل می‌کنند و آن این که تربیت لازم است با نظارت و رسیدگی همراه باشد.

بر اساس برخی دیگر از آیات قرآن، علاقه و دلسوزی بسیار نسبت به هدایت متری، از صفات و ویژگی‌های بارز پیامبر اکرم (ص) برشمرده شده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»؛ (توبه، ۱۲۸) همانا پیامبری از جنس خودتان به رسالت به‌سوی شما آمده است که دچار شدن شما به سختی و عذاب، بر او گران است و او نسبت به (هدایت) شما حریص (به‌شدت علاقه‌مند) است و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.

در این آیه بهره‌گیری از صفات مشابه مکرر به معنای آن است که پیامبر (ص) همواره در امر تربیت مداومت داشتند و سعی می‌کردند با نظارت پیگیر همراه با محبت وافر به کارهای او استمرار بخشند؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «در پرتو رحمت و لطف خدا با آنان مهربان و نرم‌خو شده‌ای و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند.» (آل عمران، ۱۵۹). بدین ترتیب، علاقه بسیار به تربیت متری و مواظبت بر این امر در سایه مهرورزی، یکی از راهکارهای تداوم بخشی به امور تربیتی است. این کار موجب خواهد شد متری تشویق شود و نسبت به عمل تربیتی شور و اشتیاق بیشتری پیدا کند.

چنان که ملاحظه می‌شود در این آیه، تعبیر از علاقه با واژه «حریص» جالی دقت نظر دارد. با آن که صفت حرص در امور دنیوی، امری مذموم به شمار می‌رود، ولی بر اساس این آیه، در امور معنوی از جمله امور تربیتی این امر بسیار پسندیده است. این نوع حرص، برخلاف حرص در امور مادی که به خشونت و تنازع بین افراد منجر می‌شود، بر مدار مهرورزی و خوش‌خویی انجام می‌شود.

نظارت بر رفتار و احوال انسان، با صرف نظارت مری به متری تحقق نمی‌یابد، بلکه این امر مستلزم نوعی مراقبه و محاسبه و خودکنترلی است. بی شک محاسبه اعمال باعث تقویت اعمال نیک و پرهیز از اعمال زشت می‌گردد. از این رو، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر، ۱۸)؛ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید؛ و هر کسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است، و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

طبق آیه، یکی از آثار مهم محاسبه نفس، توجه به خود و بیداری دل است؛ چنان که عدم محاسبه مساوی با فراموشی خود است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر، ۱۹)؛ و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ بنابراین اگر انسان نسبت به تکالیف الهی از خود حساب نکشد، این مستلزم فراموشی خود و عدم توجه به نیازهای واقعی‌اش است و در نتیجه موجب استدامت در ارتکاب اعمال بد و مستلزم عدم تداوم اعمال نیک است.

براین اساس، متری باید بر همین اساس، از فرصت‌های زندگی و عمری که خداوند در اختیار او گذاشته است، جهت محاسبه و ارزیابی اعمال خود اقدام نماید؛ چنان که پیامبر (ص) در حدیث مشهوری به‌صراحت بر لزوم این امر تأکید کرده و می‌فرماید: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۱۳)؛ خوشتن را محاسبه کنید قبل از آنکه به حساب شما برسند.

با آن که حدیث فوق، بیانگر یکی از آثار اخروی محاسبه نفس است و آن خلاص شدن از محاسبه در روز قیامت است، ولی معلوم است که این اثر زمانی مترتب می‌شود که انسان در دنیا از گناه دوری کرده و در انجام تکالیف خود ثابت‌قدم

بوده باشد؛ بنابراین اثر اول محاسبه نفس در همین دنیا و از نگاه تربیتی بر مرتبی خواهد رسید و او را در مسیر سعادت قرار خواهد دارد. از این رو، امام (ع) می‌فرماید: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ»؛ (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۴)؛ هر که نفس خود را حسابرسی کند، نیک‌بخت شود؛ یعنی به خیر دنیا و آخرت می‌رسد؛ زیرا واژه سعید در جایی کاربرد دارد که دیگران از انسان به خیر و نیکی یاد کنند.

بدین ترتیب، بر مرتبی لازم است همواره و بلکه روزانه، خود را محاسبه نماید؛ اگر خدای ناکرده عمل بدی را مرتکب شده است، به جبران آن بپردازد و اگر عمل خوبی از او سر زده است، در تقویت و ارتقای کیفی و کمی آن بیش از پیش تلاش کند. از این رو امام صادق (ع) می‌فرماید: «حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا، أَنْ يُعْرِضَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ، فَيَكُونُ مُحَاسِبَ نَفْسِهِ، فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَغْفَرَ مِنْهَا لِئَلَّا يُخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۱)؛ بر هر مسلمانی که معرفت ما را دارد لازم است که اعمال خود را در هر روز و شب، بر خویشتن عرضه بدارد، و حسابگر نفس خود باشد؛ اگر حسنه ای مشاهده کرد برای افزودن آن کوشش کند، و اگر سیئه ای ملاحظه نمود از آن استغفار نماید، مبدا روز قیامت رسوا گردد.

بدین ترتیب، اهمیت تقوای مکانتی در برابر تقوای مکانی پررنگ‌تر می‌شود؛ زیرا با توجه به نقش روزافزون رسانه‌های اجتماعی، دیگر نمی‌توان دیوار مکانی بین مرتبی و مسائل ضد تربیتی ایجاد کرد و بیشتر خود مرتبی است که با نظارت و ارزیابی مدام خود می‌تواند به محافظت از خود بپردازد. این امر موجب می‌شود تا مرتبی با بینشی کل‌گرایانه، تبعیت بی‌چون چرا از رسانه‌های اجتماعی را رها کند.

نتیجه‌گیری

اصل تداوم، در کنار اصول دیگری مثل نیت الهی، تکریم، توجه به اخلاق و باطن، توجه به مناسبات اجتماعی، تسهیل و تدریج، از اصول بسیار مهم و کاربردی در تربیت اسلامی‌اند. در منابع اسلامی، روش‌های تربیتی متنوعی برای مرتبی، مرتبی و یا هر دو بر پایه اصل تداوم بیان شده است که به موفقیت و رشد تربیت کمک می‌کنند. با بررسی انجام شده در خصوص روش‌های مبتنی بر اصل تداوم باتکیه بر قرآن و حدیث، نتایج ذیل به‌عنوان روش‌های تربیتی احصا شد که عبارت‌اند از: ۱- تلاش و کوشش. بدین معنی که مرتبی و مرتبی برای نیل به مقصود، لازم است امور تربیتی را با جدیت و تلاش پی‌گیری کنند، نه آن که در پاره‌ای از زمان به آن اهتمام و در پاره‌ای دیگر، رها کنند ۲- صبر و تحمل: بر اساس این روش، بر مرتبی لازم است زمان بیشتری را برای تحقق فعل تربیتی از سوی مرتبی و نیل او به اهداف بالاتر در نظر بگیرد و در هر مرحله از تربیت، صبوری و پایداری داشته باشد. ۳- تمرین و تکرار: بدین معنی که اگر در مواقعی انجام تکلیفی، مستلزم انجام مقدماتی قبل از تکلیف باشد، شخص مکلف نباید در انجام آن مقدمات کوتاهی کند ۴- نظم و انضباط: باتوجه به این که هیچ موجودی نمی‌تواند در شرایطی آشفته و نابسامان، بدون هیچ مقررات و قانونی که رویدادها را قابل پیش‌بینی کند، به زندگی ادامه دهد، وجود نظم و انضباط برای تحقق فعل تربیتی به شکل مداوم، از مهمات امور تلقی می‌شود. ۵- تذکر و یادآوری: بدین معنی که انسان با یادآوری نعمت‌های خداوند، با خویشتن خویش رو به رو می‌شود و عواطفش برای پیشبرد امور تربیتی بیشتر به کمکش می‌آید. ۶- مراقبت و محافظت: این روش تربیتی، برای این مقصود لازم است که توجه به ضوابط ظاهری و باطنی به صورت پیوسته فراهم گردد و ۷. نظارت و ارزیابی: باتکیه بر این روش، مرتبی می‌داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد.

در نهایت باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد: ۱- آرای مفسران قرآن و اندیشمندان دینی راجع به اصول تربیتی، همراه با تحلیل، در یک مجموعه مستقل گردآوری گردیده و در اختیار مربیان و مرتبان قرار گیرد. ۲- روش‌های تربیتی بر پایه اصل تداوم برای مدرسان و مرتبان در قالب دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی تبیین و روشننگری گردد. ۳- از آن جا که مهمترین هدف انسان رسیدن به قرب الهی است، لذا همه تلاش‌های نهادهای تربیتی به سمت این هدف سوق داده شود. ۴- برای تحقق یک تربیت جامع و صحیح، باید روش‌های تربیتی موجود، در تمام ابعاد و

ساحت های وجودی انسان، شناسایی و در امر تربیت به کار گرفته شود. ۵- باتوجه به این که یکی از شیوه های تربیتی الگوپذیری است، پس به مربیان توصیه می شود که در رفتار، اخلاق و رفتارهای خود دقت بیشتری داشته باشند. ۶- باتوجه به نقش روز افزون رسانه های اجتماعی پیشنهاد می گردد دست اندرکاران در تدوین برنامه ها، بر اصول تربیتی تأکید بیشتری نمایند تا جوانان در پیچ و خم زندگی، بدون معطلی و غرق شدن در جزئیات امور، با بهره گیری از خط کش اصول، راه حل مشکلات تربیتی را خودشان پیدا کنند.

منابع

قرآن کریم

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). *محاسبه النفس*. تهران: مرتضوی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۷۲). *اسلام و تربیت*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۷). *اسلام و تعلیم و تربیت*. تهران: بوستان کتاب.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- تقی پور ظهیر، علی. (۱۳۷۶). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. تهران: دفتر نشر آگه.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- حسینی زاده، سیدعلی. (۱۳۸۴). *تربیت فرزند، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حق شناس، علی محمد و دیگران. (۱۳۹۳). *فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی به فارسی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). *مشرب مهر (روشهای تربیت در نهج البلاغه)*. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۸). *مکتب مهر (اصول تربیت در نهج البلاغه)*. تهران: دریا.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: دفتر نشر کتاب.
- رفیعی محمدی، ناصر. (۱۳۸۹). *بیست اصل در تربیت*. قم: انتشارات رسول اکرم (ص).
- رفیعی، بهروز. (۱۳۸۸). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. تهران: سمت.
- رهنمایی، سید احمد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۴). *دین گرایی چرا، دین گرایی چه سان؟* قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شاتو، ژان. (۱۳۶۹). *مربیان بزرگ*. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۷). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)*. قم: هجرت.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۶۸). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- عمید، حسن. (۱۳۶۶). *فرهنگ فارسی عمید*. سوم. تهران: امیرکبیر.
- کانل، وف. (۱۳۶۸). *تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- کربلایی پازوکی، علی. (۱۳۸۷). *روش های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی. فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۱۳، ۴۴-۱۵.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دارالحدیث.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار لدرر الأخبار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مدلین، ویلیام. (۱۳۵۳). *تاریخ آراء تربیتی غرب*. ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی. تهران: دانشگاه تهران.
- مشایخی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۱). *اصول تربیت از دیدگاه اسلام*. حوزه و دانشگاه، ۳۲، ۵۰-۶۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *مجموعه آثار*. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مهدی‌زاده، امیر حسین. (۱۳۸۹). *مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت*. تهران: مبنای خرد.
- ناصری، زهرا و محمد جعفری، رسول. (۱۳۹۹). *اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در آیات و روایات با تکیه بر تفسیر نمونه*. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۱)، ۴۸-۵۷.
- همت بناری، علی. (۱۳۸۳). *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه و تربیت*. قم: مؤسسه امام خمینی.
- هوشیار، محمدباقر. (۱۳۲۷). *اصول آموزش و پرورش*. تهران: دانشگاه تهران.

References

- The Holy Quran.
- Al-Kulayni, M. ibn Y. (1987). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Al-Laythi Al-Wasiti, A. ibn M. (1997). *Uyun al-Hikam wa al-Mawa'iz*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Al-Majlisi, M. B. ibn M. T. (1983). *Bihar al-Anwar li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Raghib Al-Isfahani, H. ibn M. (1984). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Tehran: Book Publishing Office. [In Arabic]
- Al-Sadug, M. ibn A. ibn B. (1993). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Al-Sharif Al-Radi, M. ibn H. (1994). *Nahj al-Balagha* (Subhi Salih Ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Al-Tabarsi, F. ibn H. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Nasir Khosrow. [In Arabic]
- Al-Tabatabai, M. H. (1971). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications. [In Arabic]
- Al-Tamimi Al-Amdi, A. W. ibn M. (1990). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Islamic Books Publishing. [In Arabic]
- Amid, H. (1987). *Amid Persian Dictionary* (3rd ed.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Amini, I. (1993). *Islam and Education*. Tehran: Association of Parents and Educators. [In Persian]
- Amini, I. (2008). *Islam and Education*. Tehran: Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Bagheri, K. (2005). *A Second Look at Islamic Education*. Tehran: Madrese Publications. [In Persian]
- Château, J. (1990). *Les Grands Pédagogues* (G. Shokouhi, Trans.). University of Tehran Press. (Original work published 1956). [In Persian]
- Connel, W. F. (1989). *A History of Education in the Twentieth Century* (H. Afshar, Trans.). Tehran: Markaz Publishing. (Original work published 1980). [In Persian]
- Dehkoda, A. A. (1994). *Dehkoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Delshad Tehrani, M. (2000). *The Way of Affection (Methods of Education in Nahj al-Balagha)*. Tehran: Darya. [In Persian]
- Delshad Tehrani, M. (2009). *The School of Affection (Principles of Education in Nahj al-Balagha)*. Tehran: Darya. [In Persian]
- Haghshenas, A. M., et al. (2014). *Contemporary Hezareh Dictionary (English to Persian)*. Tehran: Farhang-e Moaser. [In Persian]
- Hemmat Benari, A. (2004). *A Look at the Interaction of Jurisprudence and Education with Emphasis on the Role of Jurisprudence and Education*. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
- Hoshier, M. B. (1948). *Principles of Education*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Hosseini Zadeh, S. A. (2005). *Child Rearing: The Educational Conduct of the Prophet (PBUH) and His Household (AS)*. Qom: Hawzah and University Research Center. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. ibn M. (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Shubah al-Harrani, H. ibn A. (1984). *Tuhaf al-Uqul an Al al-Rasul*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]

- Ibn Tawus, A. ibn M. (1997). *Muhasabat al-Nafs*. Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Karbala'i Pazouki, A. (2008). Methods of Social Education from the Perspective of Molla Mohsen Fayz Kashani. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, 13, 15-44. [In Persian]
- Madlin, W. (1974). *Western Educational Thought* (F. Bazorgan Dilmaqani, Trans.). University of Tehran Press. (Original work published 1968). [In Persian]
- Mahdizadeh, A. H. (2010). *Foundations, Principles and Methods of Education*. Tehran: Mobtakarān. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir-e Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Mashayekhi, S. (2002). Principles of Education from the Perspective of Islam. *Hawzah and University*, 32, 50-68. [In Persian]
- Motahhari, M. (1988). *Education in Islam*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (1992). *Collected Works*. Qom: Sadra. [In Persian]
- Naseri, Z., & Jafari, R. (2020). Principles and Methods of Moral Education in Verses and Narrations with Emphasis on Tafsir-e Nemuneh. *Islamic Lifestyle Centered on Health*, 4(1), 48-57. [In Persian]
- Rafiei Mohammadi, N. (2010). *Twenty Principles in Education*. Qom: Rasul-e Akram (PBUH) Publications. [In Persian]
- Rafiei, B. (2009). *Muslim Scholars' Views on Education and Its Foundations*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Rahnamayi, S. A. (2008). *An Introduction to the Philosophy of Education*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Sajedi, A. (2005). *Why Aversion to Religion, How Inclination Towards It?* Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Shari'atmadari, A. (1988). *Principles and Philosophy of Education*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Shokouhi, G. (1989). *Foundations and Principles of Education*. Mashhad: Astan-e Quds-e Razavi. [In Persian]
- Taghipour Zaheer, A. (1997). *Foundations and Principles of Education*. Tehran: Agah Publications. [In Persian]